

انتظار جهادی، راهبرد تقویت پنج شاخصه انقلابی‌گری در حوزه و روحانیت

حسن ملایی (سطح چهار حوزه و مدیر گروه اخلاق و تربیت مرکز تخصصی مهدویت قم hmollaie@chmail.ir)

چکیده

همان‌گونه که روحیه انقلابی در حوزه علمیه و روحانیت باعث حدوث انقلاب اسلامی تا تحقق جمهوری اسلامی بوده است، تداوم همین روحیه در حوزه‌ها نیز ضامن بقای آن خواهد بود. سؤال این است که حفظ این روحیه انقلابی‌گری نیازمند به کارگیری چه راهبردهایی از درون متون دینی است؟ نوشتار پیش رو با توجه به فرهنگ مهدویت، انتظار جهادی را از جمله راهبردهای مهم تقویت این روحیه در روحانیت دانسته و فرایند تأثیرگذاری انتظار جهادی بر پنج شاخصه انقلابی‌گری مورد نظر حضرت امام خامنه‌ای را با روش توصیفی-تحلیلی و به صورت کتابخانه‌ای مورد بررسی قرار داده است.

کلید واژگان

مهدویت- انتظار- جهاد- حوزه علمیه- روحانیت- انقلاب اسلامی- انقلابی‌گری

سخن آغازین

وقوع انقلاب اسلامی در ایران و تأسیس جمهوری اسلامی در اواخر قرن بیستم پدیده‌ای شگرف بود که جهان را تحت تأثیر خود قرار داد و بسیاری از معادلات سیاسی رایج در آن را به هم زد. نکته فوق‌العاده این انقلاب جنبه دینی آن بود به گونه‌ای که در هیچ یک از انقلاب‌هایی که قبل از انقلاب اسلامی ایران در دنیا رخ داده و به ثمر نشسته بود اینک شخصیتی مذهبی و روحانی، رهبری آن را بر عهده بگیرد، سابقه پررنگی یافت نمی‌شود. شعارهایی که از همان ابتدا از سوی حضرت امام خمینی و یاران و - در سطح بعدی- مردم ایران به جهان مخابره شد حاکی از هل من مبارز طلبیدن او در صحنه مدیریت و سیاست کلان جهان داشت و اینکه باید همه مسائل جامعه اعم از قانون‌گذاری و اجرا بر مبنای توحید باشد و در این مسیر باید همه موانع پیش روی آن برداشته شود و این، جز تلاوت آیه شریفه: «اعْبُدُوا اللَّهَ وَ اجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ» (نحل/۳۶) بر جهانیان نبود. پرواضح است که جهان‌خواران، طاغوتیان و مستکبران عالم در مقابل چنین پدیده‌ای که محو ماهیت آنها را هدف گرفته است نمی‌توانسته و نمی‌توانند آرام بنشینند و دست به

اقدام متقابل نزنند. از همین رو از همان ابتدای انقلاب و به صورت واضح تر پس از تأسیس جمهوری اسلامی، اقدام های خصمانه خود را از جهت های گوناگون سیاسی، اقتصادی، نظامی و فرهنگی آغاز کردند که تا الان نیز ادامه دارد.

در مقابل چنین هجمه سنگینی دفاع از جمهوری اسلامی برای حفظ و بقاء و آنگاه پویایی آن، به حکم عقل، وظیفه همه معتقدان به انقلاب اسلامی و در رأس آن خواص و نخبگان جامعه خواهد بود. اینجاست که روحیه انقلابی از شروط حتمی برای همه دلسوزان انقلاب اسلامی ایران محسوب شده و کما اینکه بارها از زبان رهبر معظم انقلاب حضرت امام خامنه ای نیز مطرح شده است تخلق و نشر این روحیه انقلابی گری بر همگان ضروری است. اگر چنین است حتمیت این رسالت بر دوش خواص جامعه و به ویژه روحانیون و نهاد متعلق به آن یعنی حوزه های علمیه که پیشروان حرکت انقلابی و تأسیس جمهوری اسلامی بوده اند بیشتر خواهد بود.

آنچه در این نوشتار در پی آن هستیم یافتن پاسخی کارآمد به این پرسش است که راهکار حفظ و تقویت انقلابی گری در حوزه های علمیه و طلاب گرامی با استفاده از متون دینی چیست؟ ما معتقدیم که توجه، ترویج و نهادینه نمودن انتظار حضرت مهدی موعود عج با رویکرد جهادی، بهترین، سریع ترین و اصیل ترین راهبرد برای دستیابی به حوزه و طلبه انقلابی و تقویت آن است. این فرضیه در مباحث ذیل تشریح خواهد شد.

مفهوم حوزه و طلبه انقلابی و شاخصه های آن

قبل از ورود به نسبت انتظار جهادی با انقلابی گری حوزه و روحانیون، نیازمند شناخت مفهومی حوزه و طلبه انقلابی در ابتدا و در گام بعدی واژه انتظار جهادی و لو به صورت اجمال هستیم.

اگر چه انقلاب را در لغت به دگرگون شدن معنا و سپس آن را برای خیزها و خیزش های سیاسی و اجتماعی و دگرگونی بنیادین در نظام اجتماعی و سیاسی یا در جنبه های دیگر از زندگی فرهنگی و اجتماعی و فکری (دانش نامه سیاسی، آشوری ص ۴۷) به کار برده اند اما مقصود این واژه در نوشتار پیش رو ناظر به یکی از مصادیق آن یعنی انقلاب اسلامی ایران است و با توجه به این نکته، «انقلابی» در تعریفی ساده به اشخاص، اجتماع و نهادهایی گفته می شود که معتقد به مبانی و اهداف انقلاب اسلامی بوده و بر مبنای این باور، رفتارهایی ویژه را برای دفاع، ترویج و تحقق آرمانهای آن از خود بروز دهند که امروزه از

آن به «انقلابی گری» و «انقلابی بودن» نیز تعبیر می شود. طبیعتاً حوزه و طلبه انقلابی هم در همین راستا قابل تعریف است.

حوزه و طلبه انقلابی هم همانند همه انقلابیون دیگر شاخصه هایی دارند که از غیر خود- چه غیر انقلابی و چه ضد انقلابی- شناسایی می شوند. مرور این شاخصها به با کمک خواهد کرد تا نسبت انقلابی گری با انتظار جهادی در روحانیون را سهل الوصول تر تبیین نماییم. مهم ترین این شاخصها در تعبیرات رهبر انقلابی ما امام خامنه ای مدظله العالی چنین است: اول. پایبندی به مبانی و ارزشهای اساسی اسلام و انقلاب؛ دوم. هدفگیری آرمانهای انقلاب و همت بلند برای رسیدن به آنها؛ سوم. پایبندی به استقلال کشور؛ چهارم. حساسیت در برابر دشمن و نقشه دشمن و عدم تبعیت از آن؛ پنجم. تقوای دینی و سیاسی. (بیانات رهبر انقلاب در سالگرد رحلت امام خمینی ۱۳۹۵/۳/۱۴). هر کدام از این شاخصه ها جای سخن فراوان دارد که برای جلوگیری از طولانی شدن بحث در جای خود و در نسبت آن با انتظار، صحت خواهد شد.

مفهوم انتظار و تفسیر جهادی از آن

«انتظار» را نیز به چشم داشتن و چشم به راه بودن (لغت نامه دهخدا و فرهنگ معین، ذیل کلمه انتظار) معنا کرده اند اما آنچه در این نوشتار مورد نظر است انتظار ظهور و حکومت مهدوی است که اصطلاحی ویژه بوده و تعریفی جداگانه می طلبد.

فضایل تحیرآوری که ائمه معصومین درباره انتظار قائم آل محمد عج فرموده اند گویای این مطلب است که معنای خاصی از انتظار مورد نظر این بزرگواران بوده است نه مفهوم لغوی. بدیهی است که وقتی امام صادق ع می فرماید: «مَنْ سَرَّهُ أَنْ يَكُونَ مِنْ أَصْحَابِ الْقَائِمِ فَلْيَنْتَظِرْ...» (الغیبه نعمانی، ص ۲۰۰). روشن است که برای احراز لیاقت سرداری برای حضرت مهدی عج چشم به راهی ایشان، کافی نیست و خصوصیات خاصی لازم است. این بحران مفهومی در کلام حضرت آیت الله صافی چنین تقریر شده است: «اگر الفاظ و اصطلاحات دینی بطور صحیح درک نشود و با مفاهیم نادرست عرضه شود و نادانان یا مغرضان، آن را به صورتی دیگر جلوه دهند، زیان آن از گمراهی صریح کمتر نخواهد بود... و از جمله، یکی هم انتظار ظهور یا انتظار فرج و قیام حضرت مهدی و قائم آل محمد عج است. اگر چه اصالت مفهوم این انتظار، هنوز در اذهان، کم و بیش و به حسب مراتب معارف و آگاهی های افراد محفوظ مانده است؛ ولی به گمان بسیاری، تلقی و برداشت اکثر جامعه از آن، چنانکه باید سازنده و مثبت نیست و جوانب سلبی و منفی آن نیز که از تعلیمات اساسی و مترقی اسلام و مبارزات سلبی رهبران دین سرچشمه می گیرد، نادرست و غیر از آنچه

باید باشد عرضه شده است، و در جهت جنبش و تحرک، قدم به پیش نهادن، مجاهده، امر به معروف و نهی از منکر، ثبات قدم و پایداری، حبّ فی الله (محبت به خاطر خدا) بغض فی الله (دشمنی به خاطر خدا) و قطع رابطه با اعداء الله، از آن بهره‌برداری نشده، بلکه آن را عامل سکون و سکوت، سازشکاری، وقوف، تسلیم، ساخت و پاخت با ستمگران، رضایت دادن به وضع موجود و فراموش ساختن اهداف عالی اسلام معرفی کرده بودند.» (انتظار عامل مقاومت، ص ۱۱-۱۳)

نکته مهمی که در شناخت ماهیت انتظار، باید به آن توجه نمود، وصفها و فضایی است که چشم به راهی موعود در آن مطرح می‌شود؛ این نکته همان مطلب قابل توجهی است که بی‌توجهی به آن باعث برداشتهای متفاوت از این آموزه و در نهایت، عدم جریان فرهنگ انتظار در متن زندگی شیعیان به گونه‌ای شایسته و مؤثر است. یکی از از وصفها، توضیح انتظار به عمل است؛ در سخن شریف امام جواد ع که فرمود: «أفضل أعمال شیعتنا انتظار الفرج» (کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۳۷۷) مشاهده می‌کنید که انتظار را از حالت درونی محض بیرون آورده و با مقوله عمل همراه نموده است. چگونه چنین نباشد در حالی که امید، از عناصر اصلی انتظار و تلاش از لوازم امید است؛ لذا به همین علت است که امیر المؤمنین صداقت در امیدواری بدون عمل را مورد نکوهش قرار داده و فرموده: «یدعی بزعمه أنه یرجو الله کذب و العظیم ما باله لا یتبین رجاءه فی عمله فکل من رجا عرف رجاءه فی عمله». (نهج البلاغه، خطبه ۱۶۰).

علاوه بر آن نگاه تطبیقی که بین روایات مربوط به انتظار وجود دارد نشان‌گر آن است که علاوه بر عمل، نوعی ارتباط و همراهی انتظار با مقوله جهاد نیز وجود دارد. به عنوان نمونه پیامبر اعظم در حدیثی می‌فرماید: «أفضل جهاد أمتی انتظار الفرج». (تحف العقول، ص ۳۷). این روایات فقط یکی از احادیث مهدوی در این زمینه است و این در حالی است که سخنان معصومین در باب انتظار و با ادبیات حماسی فراوان است. این نکته دقیق از منظر حضرت آیت الله مکارم نیز دور نمانده و چنین بیان نمودند که: «این تعبیرات همگی حاکی از این است که انتظار چنان انقلابی داشتن همیشه توأم با یک جهاد وسیع و دامنه‌دار است....؛ اکنون می‌فهمیم چرا منتظران واقعی گاهی همانند کسانی شمرده شده‌اند که در خیمه حضرت مهدی عج یا زیر پرچم او هستند یا کسی که در راه خدا شمشیر می‌زند، یا به خون خود آغشته شده، یا شهید گشته است. آیا اینها اشاره به مراحل مختلف و درجات مجاهده در راه حق و عدالت نیست که متناسب با مقدار آمادگی و درجه انتظار افراد است؟ یعنی همانطور که میزان فداکاری مجاهدان راه خدا و نقش آنها با هم متفاوت است انتظار و خودسازی و آمادگی نیز درجات کاملاً متفاوتی دارد که هر کدام از

اینها با یکی از آنها از نظر «مقدمات» و «نتیجه» شباهت دارد؛ هر دو جهادند و هر دو آمادگی می‌خواهند و خود سازی». (تفسیر نمونه، ج ۷، ص ۳۷۹-۳۸۲)

با چنین توضیحی می‌توان گفت که در زمینه انتظار، معنای اصطلاحی و مورد نظر روایات را این طور بیان کرد که: «انتظار، چشم‌به‌راهی قیام قائم توأم با جهاد و تلاش برای آمادگی فردی و زمینه‌سازی اجتماعی جهت پذیرش و شرکت در بزرگترین حماسه تاریخی نبرد حق و باطل به رهبری اوست» (سبک زندگی منتظرانه، ص ۳۴)؛ در این صورت قطعاً یک منتظر همان مجاهد و زندگی او، زندگی جهادی معنا خواهد شد. از همین روست که امام صادق ع در تفسیر آیه «...فَسَوْفَ يَأْتِي اللَّهُ بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ أَذِلَّةٌ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ أَعِزَّةٌ عَلَى الْكَافِرِينَ يُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا يَخَافُونَ لَوْمَةَ لَائِمٍ» (مائده/۵۴) خداوند به زودی گروهی را خواهد آورد که آنان را دوست می‌دارد و آنان نیز او را دوست می‌دارند، در برابر مؤمنان فروتن و در برابر کافران با عزت و درشتخو و سختگیر هستند؛ در راه خدا جهاد می‌کنند و از ملامت هیچ ملامت‌گری نمی‌هراسند» مصداق اکمل این آیه را بر یاران حضرت مهدی تطبیق فرموده است (الغیبه نعمانی، ص ۳۱۶).

بدیهی است که چنین برداشتی جهادی از انتظار موعود، تأثیر فوق‌العاده‌ای را در همه ابعاد زندگی خواهد داشت و حیات تازه‌ای به دوستداران امام زمان عج، خواهد بخشید زیرا همان گونه که رهبری مهدوی انقلاب فرمود: «زندگی جهادی یعنی این که ما آرمانها و ارزشها و هدفهای والای زندگی را مشخص کنیم و بعد با تمام قوا برای تحقق آن بکوشیم. اصلاً زندگی جز این معنا ندارد و گرنه، اگر انسان از جهاد برای ارزشها و هدفهای والا خالی باشد به یک جماد تبدیل خواهد شد» (سخنان مقام معظم رهبری در تاریخ ۱۳۷۰/۱۱/۲۹)

تذکر این نکته در باب معنای جهاد و نقش آن در تبیین مقوله انتظار جهادی نیز لازم است که بدانیم مقصود ما از جهاد همان معنای گسترده در فرهنگ قرآن و روایات است که شامل جهاد اکبر (مبارزه با هوای نفس)، جهاد کبیر (مبارزه فکری و فرهنگی با دشمن) و جهاد اصغر (مبارزه نظامی با دشمن) با تمام زیر مجموعه آن خواهد شد.

مفهوم جهاد و شاخصه های انتظار جهادی

با ارائه تفسیری جهادی از انتظار بایسته است تا شاخص های این انتظار برای درک نسبت سنجی بین «انتظار جهادی» با مقوله «انقلابی گری» بیان و در نتیجه تأثیر آن در حوزه و روحانیت انقلابی، روشن گردد. برای شمارش این شاخص ها ناچاریم که مفهوم جهاد را واکاوی کنیم.

جهاد در لغت، به معنای زحمت، مشقّت (معجم مقاییس اللغة، ذیل ماده جهاد)، تلاش توأم با رنج (اقترب الموارد، ذیل واژه جهاد)، جنگ با دشمن (العین، ذیل واژه جهاد) است. بهترین تعبیر را راغب اصفهانی بکار برده که: «استفراغ الوسع فی مدافعة العدو؛ جهاد، بکارگیری نهایت توان در راندن دشمن است. (المفردات راغب اصفهانی، ذیل واژه جهاد). این واژه در فقه نیز اصطلاح خاصی یافته و آن عبارت است از: بَدَلُ النَّفْسِ وَالْمَالِ وَالْأَوْسَعِ فِي إِعْلَاءِ كَلِمَةِ الْإِسْلَامِ وَإِقَامَةِ شَعَائِرِ الْإِيمَانِ؛ (جواهر الکلام، ج ۲۱، ص ۳) و همچنان که از تعبیر بر می آید منظور، مبارزه و قتال با دشمنان ظاهری اسلام است. حضرت آیت الله خامنه ای، تقریر قابل تقدیری در این بحث نموده و می فرماید: «جهاد یعنی مبارزه. در مبارزه دو چیز حتماً لازم است: یکی اینکه در آن جد و جهد و تحرکی باشد. انسان در رختخواب یا در پستوی خانه که نمی تواند مبارزه کند، در مبارزه باید جد و جهدی وجود داشته باشد...؛ دوم اینکه در مقابلش دشمنی باشد. مبارزه در آنجا که دشمن نیست معنا ندارد. پس جهاد متقوم بر این دو رکن است... اگر همه این ها در مقابل دشمن خدا و دشمن علی لسان الله و لسان رسوله و اولیائه علیهم السلام باشد می شود جهاد فی سبیل الله». (سخنرانی در شروع درس خارج فقه ۱۳۷۳/۶/۲۰).

از مجموعه مطالبی که در شناخت مفهومی جهاد گفته شده است می توان فهمید که از دیدگاه اسلام چند شاخصه کلیدی در باب جهاد وجود دارد که عبارت هستند از:

اول. داشتن هدف والا؛

دوم. کوشش و تحمل سختی در راه رسیدن به آن هدف؛

سوم. تلاشی که در مقابل موانع و دشمن و هجوم اوست؛

چهارم. نیت امتثال تکلیف الهی و اخلاص

حال با تبیین مفاهیم انقلابی گری و جهاد و شاخصه های این دو به سهولت می توان از تأثیر انتظار جهادی بر شاخصه های پنجگانه انقلابی گری مورد نظر رهبری در حوزه های علمیه و طلاب گرامی سخن گفت. جایگاه انتظار جهادی در پابندی حوزه و روحانیت به مبانی و ارزشهای اساسی اسلام و انقلاب

انتظار جهادی از پشتوانه‌های بی بدیل استقامت بر مبانی اسلام و ارزشهای انقلاب اسلامی محسوب می‌شود. توضیح آنکه بدون تردید فلسفه اصلی تأسیس حوزه‌ها، پاسداری از اسلام و ارکان اساسی آن است و روحانیون معظم رسالتی جز این امر ندارند. بدیهی است که این پاسداری در صورتی امکان پذیر است که این نهاد مذهبی، خود، پایبند به ارزشهای اسلامی باشد چرا که در غیر این صورت مورد خطاب و عتاب شدید قرآن کریم قرار خواهند گرفت که: «أَتَأْمُرُونَ النَّاسَ بِالْبِرِّ وَ تَنْسَوْنَ أَنْفُسَكُمْ وَ أَنْتُمْ تَتْلُونَ الْكِتَابَ أَفَلَا تَعْقِلُونَ» (بقره/۴۴).

در روایات مهدوی زمانه غیبت امام دوازدهم، عصر دشواری برای دین داران است به گونه‌ای که امام صادق ع همگان به به خواندن این دعا در چنین عصری سفارش می‌کند که: «یا الله یا رحمان یا رحیم یا مقلب القلوب ثبت قلبی علی دینک» (کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص: ۳۵۲). در این میان حوزه و روحانیت از آنجا که مروجان اسلام هستند الگوی عینی مردم محسوب می‌شوند و بر این اساس باید استقامت و پابندی آنها بر ارزشهای دینی بهتر و بیشتر باشد تا این روحیه در عموم مردم تقویت شود و در این صورت است که مدال افتخارآمیز برادری رسول الله ص را کسب خواهند کرد که: «اللهم لقنی إخوانی مرتین فقال من حوله من أصحابه أ ما نحن إخوانک یا رسول الله ص فقال لا إنکم أصحابی و إخوانی قوم من آخر الزمان آمنوا بی و لم یرونی لقد عرفنیهم الله بأسمائهم و أسماء آبائهم من قبل أن یخرجهم من أصلاب آبائهم و أرحام أمهاتهم لأحدهم أشد بقیة علی دینه من خرط القتاد فی اللیلة الظلماء أو کالقابض علی جمر الغضا أولئک مصابیح الدجی ینجیهم الله من کل فتنة غبراء مظلمة». (بصائر الدرجات، ج ۱، ص: ۸۴) علاوه بر آن همین استقامت و پایداری در حفظ و حمایت از انقلاب اسلامی، از روحانیت معزز- به جهت اینکه از پیشروان این پدیده قرن بیستم تا پیروزی و استمرار آن بوده‌اند- مورد توقع همگانی است.

با این توضیح حال اگر در شاخصه‌های انتظار جهادی درنگی نماییم به آسانی جایگاه این انتظار را در تولید این استقامت مقدس درک خواهیم نمود چرا که یک منتظر، با اندیشه و روحیه جهادی، اولاً با شناخت موانع و دشمنان دین در عصر غیبت، خود را در مسیر پایداری بر مبانی اسلام و انقلابی که بر محور اسلام به وقوع پیوسته ملتزم دانسته و همواره آماده دفاع از آنها در مقابل دشمنان اسلام و انقلاب خواهد بود و ثانیاً از هیچ کوشش و تلاشی آن هم در نهایت وسع خویش کوتاهی نخواهد کرد.

جایگاه انتظار جهادی در هدفگیری آرمانهای انقلاب توسط حوزه و روحانیت

جنس فعالیت روحانیون از جنس تلاش‌گریهای انبیا است و لاجرم هدف علمای دین و حوزه‌های علمیه نیز در راستای آرمان، پیامبران و اولیای الهی است. خداوند متعال، حاکمیت دین در تمامی زندگی بشر را آرمان رسولان خود معرفی نموده و فرموده است که: «هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ» (توبه/۳۳) و معلوم است که همه انبیای الهی، مجاهدانه تمام تلاش خود را در این جهت مصروف کرده و موفق بوده‌اند اما تحقق این اراده خدا به دست با کفایت آخرین جانشین از آخرین پیامبر خدا یعنی قائم آل محمد مقدر شده است. امام کاظم ع در تفسیر این آیه فرمود: «یظهره علی جمیع الأديان عند قیام القائم». (الکافی، ج ۱، ص: ۴۳۲). بنابراین تلاش برای آمادگی برای حکومت مهدوی، فلسفه و رسالت اصلی حوزویان است.

از سوی دیگر، بنیان‌گذار جمهوری اسلامی - حضرت امام خمینی ره - از همان ابتدا فلسفه قیام و انقلاب خود را مبارزه با ستم و برقراری عدالت عنوان کرده و در همین مسیر، آرمان این انقلاب را زمینه‌سازی برای حکومت عدالت محور و جهانی حضرت مهدی عج معرفی کرده است. ایشان در نسبت انقلاب اسلامی با انقلاب مهدوی فرمود: «انقلاب مردم ایران، نقطه شروع انقلاب بزرگ جهان اسلام به پرچمداری حضرت حجت - ارواحنا فداه - است». (صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۳۲۷). ایشان در سخن مهم دیگری انقلاب اسلامی را به مثابه امانتی دانستند که باید با قدرت حفظ کرده و به صاحب آن یعنی امام زمان تحویل داد: «من امیدوارم که - این کشور با همین قدرت که تا این‌جا آمده است و با همین تعهد و با همین بیداری که از اول قیام کرده است و تا این‌جا رسانده است - باقی باشد این نهضت و این انقلاب و قیام، تا صاحب اصلی ان‌شاء الله بیاید و ما و شما و ملت ما، امانت را به او تسلیم کنیم». (همان، ج ۱۵، ص ۳۸۵) همین رویکرد در سخنان خلف صالح ایشان حضرت امام خامنه‌ای به چشم می‌خورد و به فرموده ایشان: «انقلاب، پرچم عزت این ملت است و ملت، این پرچم را در دست استوار خود، محکم نگه خواهد داشت و به فضل پروردگار تسلیم امام زمان خواهد کرد». (بیانات رهبری در تاریخ ۱۳۸۱/۱۱/۲۸).

حاصل آنکه با دقت در این اهداف و آرمان‌های مشترک، انقلاب اسلامی خود گامی به سوی زمینه‌سازی ظهور خواهد بود و با این حساب همه کسانی که منتظر حقیقی مهدی موعود عج هستند و در این انتظار، همانند پیامبران و اوصیای ایشان، جهادی عمل می‌کنند نسبت به انقلاب اسلامی نیز همین موضع‌گیری را دارند زیرا مسلم است که حفظ و حمایت از چنین انقلابی که به سوی آرمان مهدوی در حال حرکت است ویژگی روحی خاصی می‌طلبد و آن خصوصیت، همان روحیه جهادی برخاسته از فرهنگ انتظار موعود است.

جایگاه انتظار جهادی در پابندی حوزه و روحانیت به استقلال کشور

کارکرد دیگری که انتظار با روحیه جهادی در میان همه اقشار و به ویژه روحانیون به وجود می آورد حساسیت ایشان به استقلال ایران اسلامی و عزت و اقتدار این ملت را است. انتظار حکومت امام زمان، مجموعه ای از ارزشهای ناب اسلامی است که از شاخصه‌های برجسته آن نفی ولایت غیر خدا و اولیای اوست که اگر این نباشد پس باید در انتظار چه باید بود؟ منتظران، تربیت یافتگان قرآنی هستند که فرمود: «وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا» (نساء/ ۱۴۱) و هرگونه وابستگی به کافران را که موجب ذلت و سرافکنندگی امت اسلامی و کشور امام زمانی می شود، نفی می کند و هشدار می دهد که: «بَشِيرِ الْمُنْفِقِينَ بَأَنَّ لَهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا • الَّذِينَ يَتَّخِذُونَ الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِينَ أَبِئْتَهُمْ الْعِزَّةَ فَإِنَّ الْعِزَّةَ لِلَّهِ جَمِيعًا» (نساء/ ۱۳۷-۱۳۸).

مقتدای منتظران، همان کسی است که وقتی امام صادق ع می خواهد قیام جهانی وی را وصف نماید اینگونه می فرماید: «يقوم القائم و ليس لأحد في عنقه عقد و لا عهد و لا بيعه» (الغيبه للنعماني، ص: ۱۹۱) و معلوم است با چنین الگویی هیچ مسئولی از مسئولان حکومت اسلامی حق ندارد که به قراردادی تن دهد که موجب ذلت ایران منتظر و ملت مجاهد شود. در اینجا است که حوزه های انقلابی به تکاپو می افتند و امثال بزرگانی چون میرازی شیرازی ها فریاد: «اليوم استعمال تنباکو و توتون باي نحوِ كان در حکم محاربه با امام زمان عليه السلام است» را سر خواهند داد حتی اگر همچون عالم مجاهد شيخ فضل الله نوری به دار آویخته شوند.

حوزویان منتظر حضرت مهدی عج نیک می دانند که وابستگی و ذلت در فرهنگ انتظار وجود ندارد زیرا بارها در مکتب عاشورا و در بالای منابر خود، درس: «هیهات منا الذله» را به دوستان سید الشهداء ع تعلیم و تذکر داده اند آنگاه چگونه خود از این قافله عقب می افتند و یا این وظیفه اجتماعی خود در قبال حکومت اسلامی را به فراموشی می سپرند؟!

جایگاه انتظار جهادی در حساسیت حوزه و روحانیت در برابر دشمن و نقشه دشمن

پر واضح است که وجود موانع و دشمنان دیانت و مهدویت، سبب اصلی غیبت بیش از هزار ساله حضرت حجت بن الحسن عج و محرومیت ما از برکات مادی و معنوی حکومت عدل مهدوی شده است. انکار دشمن، نشانه جهالت و غفلت از او نشانه حماقت است و این هر دو از فرهنگ انتظار به دور است. منتظران حضرت مهدی آن قدر از عقلانیت و دانایی برخوردارند که امام سجاد در وصفشان آنها را به جهت همین

خصوصیات برترین مردمان تمام تاریخ بشریت معرفی کرده و بازخورد چنین عقلانیتی را جهاد در راه خدا و ترویج همه جانبه دین او معرفی نموده و فرمود: «ان اهل زمان غيبته القائلين بإمامته و المنتظرين لظهوره أفضل من اهل كل زمان لأن الله تبارك و تعالی أعطاهم من العقول و الأفهام و المعرفة ما صارت به الغيبة عندهم بمنزلة المشاهدة و جعلهم في ذلك الزمان بمنزلة المجاهدين بين يدي رسول الله ص بالسيف أولئك المخلصون حقا و شيعتنا صدقا و الدعاء إلى دين الله عز و جل سرا و جهراً» (كمال الدين و تمام النعمة، ج ۱، ص: ۳۲۰) به راستی کدام نهاد فرهنگی را جز حوزه و روحانیت را می توان مصداق بارز این سخن نورانی دانست که مشروعیت و رسالتش به امام عصر گره خورده باشد و دعوت به سوی دین خدا را مجاهدانه سرلوحه فعالیت‌های خویش قرار داده باشد. همه اینها به خاطر برپاداشتن دین خدا در زندگی تمام انسانها بوده است. این قیام برای دین خدا با خود، قیام برای حاکمیت همه جانبه دین بر بشریت را به دنبال خواهد داشت و وقتی هدف اصلی فعالیت‌های تبلیغی این امر شد بدهی است که این باعث صف آرایی دشمن در مقابل علمای دین می‌شود؛ دشمنانی از انس و جن و با ترفندها و حيله‌های متنوع. اینجاست که انتظار تشکیل حکومت خدا با جهاد همه جانبه توأم خواهد شد و عنوان عالم دین، با جهاد گره می‌خورد. همه این مقدمات لازم است تا این روایت امام هادی ع در وصف جایگاه عالمان دینی در عصر غیبت امام فهمیده شود: «لو لا من یبقی بعد غیبة قائمکم من العلماء الداعین إلیه و الدالین علیه، و الذابین عن دینه بحجج الله، و المنقذین لضعفاء عباد الله من شباک إبلیس و مردته، و من فحاخ النواصب لما بقی أحد إلا ارتد عن دین الله، و لکنهم الذین یمسکون أزمه قلوب ضعفاء الشیعة کما یمسک صاحب السفینة سکانها- أولئك هم الأفضلون عند الله عز و جل» (التفسیر المنسوب إلى الإمام الحسن العسکری، ص: ۳۴۵) اگر در پس غیبت امام قائم علیه السلام علمائی نبودند که داعی به سوی او بوده و اشاره به او کنند، و با براهین الهی از او دفاع نمایند، و بندگان مستضعف خدا را از دام ابلیس و اعوانش برهانند، و از بند نواصب (دشمنان اهل بیت) رهایی بخشند، همه مردم از دین خدا دست کشیده و مرتد می‌شدند. لکن علماء کسانی هستند که زمام قلوب شیعیان ضعیف ما را در دست داشته و مهار می‌کنند، همچون ناخدای کشتی که سکان آن را در دست دارد. این گروه همان شخصیت‌های برتر و افضل در نزد خداوند با عزت و جلال می‌باشند.

این روایات و بسیاری از روایات دیگری که روحانیون و عالمان دین را همچون مجاهدان معرفی کرده است حکایت از آن می‌کند که باید محور تمام برنامه‌های حوزه بر اساس آماده سازی برای حکومت مهدوی و انتظار حکومت وی و به خاطر وجود دشمنان متعدد با روحیه جهادی باشد؛ خواه این دشمن، نفس اماره

باشد یا ابلیس و یا طاغوتها و قدرتهای مستکبری که در مقابل جریانهای دینی و انقلاب اسلامی صف آرایی کرده‌اند.

جایگاه انتظار جهادی در تقوای دینی و سیاسی حوزه و روحانیت

شاخص دیگر انقلابی‌گری که باید در میان حوزویان و رفتارهای صادر شده از آنان، رعایت شود تقوای الهی در تمام عرصه‌ها است زیرا تقوای الهی معیار ورود به سپاه حزب الله است؛ امیر المؤمنین ع فرمود: «أیسرک أن تكون من حزب الله الغالبین إتیق الله سبحانه فی کل أمرک فإن الله مع الذین اتقوا و الذین هم محسنون» (غرر الحکم و درر الکلم، ص: ۱۸۳) آیا شاد می‌شوی از اینکه از حزب خدا که غالب هست باشی؟ در تمام امورت تقوای الهی داشته باش که همانا خداوند با افراد با تقوان و نیکوکار است.

نکته قابل توجه در باب تقوا این است که این موضوع مهم دینی، از لوازم انتظار محسوب می‌شود. امام صادق ع درباره تلازم تقوا و انتظار حضرت قائم عج فرمود: «من سره أن یکون من أصحاب القائم فلیتظر و لیعمل بالورع و محاسن الأخلاق و هو منتظر» (الغیبه نمایی، ص ۲۰۰) و این سخن کاملاً مطابقت بر همان چیزی دارد که معروف در میان متدینان است که طلبه و روحانی، سرباز امام زمان عج است. البته این سخن بدان معنی نیست که افراد دیگر، چنین توفیقی را نخواهند داشت بلکه از آن جهت است که روحانیون، افرادی هستند که هدف مستقیم و رسمی آنها یعنی ترویج دین خداوند در میان مردمان با هدف انبیا و امام زمان همسان است. به هر صورت حال که چنین است حوزویان گرامی باید در همه فعالیت‌های جهادی خویش تقوای الهی را رعایت و از هرگونه هواپرستی و منفعت طلبی احتراز کنند؛ خواه این فعالیتها در زمینه امور دینی باشد و خواه در زمینه امور اجتماعی و سیاسی. عالمان دین به خوبی می‌دانند که حضرت ولی عصر تنها افرادی را به سربازی خود می‌پذیرد که اعمال ایشان مقبول درگاه الهی باشد و بر اساس قانون قرآنی: «إِنَّمَا یَتَقَبَّلُ اللَّهُ مِنَ الْمُتَّقینَ» (مائده/۲۷) لاجرم در لشکر ایشان، فقط یا تقوایان حضور خواهد داشت.

نتیجه گیری

با بررسی ماهیت انتظار ظهور امام زمان عج از یک سو و مفهوم انقلابی‌گری از سوی دیگر و مشخص کردن شاخصه‌های هر کدام، ارتباط و هم پوشانی معناداری بین این دو یافت می‌شود. به گونه‌ای که اگر بخواهیم برای تحقق شاخصه‌های پنجگانه‌ای که مقام معظم رهبری برای انقلابیون مطرح کرده‌اند پشتوانه دینی محکم

و کاربردی معرفی کنیم، انتظار موعود که همانا روحیه و رفتار جهادی برای زمینه سازی ظهور هست از بهترین راهبردها در این مسیر خواهد بود. نکته آخر آنکه با توجه به جایگاه ویژه عالمان دینی و حوزه‌های علمیه و رسالت‌های دینی ایشان، فرهنگ انتظار در افزایش روحیه انقلابی‌گری این نهاد مهم اجتماعی، خاستگاه عمیق‌تر و آثار پررنگ‌تری خواهد داشت.

فهرست منابع

قرآن کریم

۱. امام علی امیر المؤمنین، نهج البلاغه، گردآوری رضی، محمد بن حسین، قم: انتشارات دارالهجره، بی‌تا.
۲. امام حسن بن علی عسکری، تفسیر منسوب به الامام العسکری، قم، مدرسه امام مهدی، ۱۴۰۹ق.
۳. ابن بابویه (صدوق)، محمد بن علی بن حسین، کمال الدین و تمام النعمه، قم، دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۹۷ق.
۴. ابن فارس، زکریا بن احمد، مقاییس اللغه، بی‌جا، الاعلام الاسلامی، ۱۴۰۴ق.
۵. آثوری، داریوش، دانشنامه سیاسی، تهران، مروارید، ۱۳۶۶ش.
۶. آمدی، عبدالواحد تمیمی، غرر الحکم و درر الکلم، قم، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۶۶ش.
۷. بحرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، قم، انتشارات جامعه مدرسین، ۱۴۰۴ق.
۸. دهخدا، علی اکبر، فرهنگ دهخدا، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۷۳ش.
۹. خمینی (امام)، سید روح الله، صحیفه امام، صحیفه امام، تهران، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
۱۰. خامنه‌ای (امام)، سید علی، حدیث ولایت (نرم افزار)، مرکز کامپیوتری علوم اسلامی نور.
۱۱. الخوری الشرتوتی، سعید، اقرب الموارد، منشورات مکتبه آیه الله العظمی المرعشی النجفی، قم، ۱۴۰۳هـ.ق.
۱۲. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، المفردات فی غریب القرآن، بی‌جا، مکتبه رضویه؛ بی‌تا.
۱۳. صافی گلپایگانی، لطف الله، انتظار عامل مقاومت، قم، بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود، ۱۳۹۱ش.
۱۴. صفار، محمد بن حسن، بصائر الدرجات، قم، مکتبه آیه الله المرعشی النجفی، ۱۴۰۴ق.
۱۵. طوسی، محمد بن حسن، الغیبه، قم، مؤسسه معارف اسلامی، ۱۴۱۱ق.
۱۶. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تهران، دار الکتب الإسلامیه، ۱۴۰۷ق.
۱۷. فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، قم، دار الهجره، ۱۴۰۹ق.
۱۸. معین، محمد، فرهنگ معین، تهران، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۷۱ش.
۱۹. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، تهران، دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۷۴ش.
۲۰. ملایی، حسن، سبک زندگی منتظرانه، قم، مرکز تخصصی مهدویت، ۱۳۹۵ش.
۲۱. نعمانی، محمد بن ابراهیم، الغیبه، تهران، مکتبه صدوق، ۱۳۹۷ق.